

<div>آرته</div>



وزن‌ولامیان شرق و غرب

● علی خرم: به نظر می‌رسد برای پرهیز از هر نوع درگیری بین شرق و غرب و نجات مردم وزنولا و تعیین‌تکلیف این کشور باید هر دسته بخشی از واقعیت را قبول کرده و فرصت دهند تا سیطره قانون سرنوشت این کشور را رقم زند. بدین معنا که اگر در انتخابات گذشته هرگونه تقلبی صورت گرفته و این موجب مخالفت بیش از نیمی از مردم وزنولا شده، باید تحت نظارت سازمان ملل متحد و با حضور طرفداران و مخالفان مالدور، انتخاباتی مجدد و در محیطی آرام و سالم، صورت گیرد و بدین‌ترتیب منتخب مردم تعیین گردد. اینکه گفته می‌شود وزنولا دچار پیوپولیست گردیده و آمریکا سعی بر این دارد که مجدداً نولیبرالیسم را در وزنولا حاکم کند، هیچ‌کدام نمی‌تواند مشکل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم وزنولا را درمان کند. پس باید به راه‌حلی واقع‌گرایانه و همه‌جانبه زیر نظر سازمان ملل متحد توصیه کرد تا قبل از اینکه کلاف آرامش از دست رهبان این کشور خارج شود و پای بیگانگان به این کشور باز شود، به این قبیل راه‌حل‌ها امتیاز بیشتری داده و از برخی زیاده‌خواهی‌ها صرف‌نظر کرد.

جمهوری اسلامی

سوریه: میدان آزمون صداقت

● تصادفی نیست که نیروهای متجاوز اسرائیلی بارها توانسته‌اند علیه ارتش سوریه و نیروهای مقاومت وارد عمل شوند ولی نه‌تنها واکنش قایل‌ذکری از جانب روس‌ها صورت نگرفته بلکه با خاموش کردن سیستم‌های ضدموشکی و ضدهوایی اس – ۳۰۰ عملاً به متجاوزین صهیونیست چراغ سبز داده‌اند. قبلاً اسرائیل با توسل به شیوه‌های فریب‌ز، هر خود را به روس‌ها هم ریخت و با پنهان‌سازی جنگنده‌های خود در پشت هواییهای مسافری روسیه، عامل سقوط آن شد. روس‌ها نمی‌توانند متحد سوریه و نیروهای مقاومت باشند و در همان حال، با اسرائیل هم علیه سوریه و نیروهای مقاومت خوش‌وبش کنند تا فقط نیروهای خودشان در سوریه آسیبی نبیند. این پدیده‌های پرتکرار قطعا به نفع روسیه نیست و از روس‌ها چهره متحدی غیرقابل‌اعتماد را به تصویر می‌کشد. آمریکا و اسرائیل هم از مسکو شناختی به‌عنوان یک طرف اهل معامله پیدا می‌کنند که به‌راحتی در یک بازی امتیاز می‌گیرد و در جای دیگر متحدانش را می‌فرسند و در برابر تجاوزات وحشیانه دشمن، آنها را تنها می‌گذارد. حوادث پرفرازونشیب سوریه به صحنه آزمایش صداقت همگان تبدیل شده است.

انتقاد

تغییر استراتژی طالبان

● بیرمحمد ملازی: استدلالی که زلمای خلیل‌زاد در برابر طالبان مطرح کرده، این است که اگر جنگ ادامه پیدا کند، آمریکا همان‌گونه که در ۱۷ سال گذشته جلوی تسلط طالبان بر قدرت را گرفته است، در ادامه هم همین کار را خواهد کرد، اما اگر این گروه حاضر به مصالحه با دولت مرکزی شود، آنگاه این فرصت برای آنها ایجاد می‌شود تا به‌تدریج قدرت خود را در افغانستان مسلط کنند. در افغانستان سه سطح از انتخابات وجود دارد، انتخابات شوراهای محلی، انتخابات مجلس ملی و سنا و انتخابات ریاست‌جمهوری. طالبان به‌سادگی می‌تواند بخش عمده‌ای از قدرت را در انتخابات محلی مناطق تحت نفوذ خود و مجالس با آرای مردمی کسب کند، تنها مسئله برای آنها، مسئله ریاست‌جمهوری است که در انتخابات آن مجبور به رقابت با دیگر گروه‌ها و احزاب هستند و تضمینی برای پیروزی در انتخابات ندارند.

گمان

معامله برد- برد و شفافیت عملکرد نمایندگان

● ابراهیم کارخانه‌ای: آنچه در رابطه با نظارت بر رفتار و اعمال نمایندگان مطرح است، صرفاً رسیدگی به موضوع احیاناً اعمال و رفتار دور از شان یک نماینده نیست بلکه نظارت بر عملکرد و کارآمدی یک نماینده است که موجبات توانمندسازی و شفافیت عملکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی را فراهم می‌سازد. متأسفانه در ساختار کنونی مجلس شورای اسلامی علیرغم آنکه یک نماینده می‌تواند همه اعمال و رفتار یک دستگاه را زیر سؤال ببرد، نه اینکه هیچ نظارتی بر عملکرد خود او صورت نمی‌گیرد بلکه هیچ‌گاه در مجلس، یک نماینده به علت ناکارآمدی مورد سؤال واقع نمی‌شود؛ این در حالی است که یک نماینده در برابر همه ملت مسئول است…

ایران

مصلحت ملت

● ابراهیم بهشتی: …شایسته‌تر آن است که اجازه داده شود بحث‌ها در همان سطح کارشناسی ردوبدل شود و یک دوخطی سیاسی دیگر به نام موافقان و مخالفان FATF در کشور ایجاد نشود که بستر برای حرکت‌های هیجانی و به دور از عقلانیت و زنده‌بادها و مرده‌بادها فراهم شود. یادآوری این نکته هم البته برای مخالفان و البته اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام هم خالی از لطف نیست که لولای محل بحث از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران که رئیس آن منتخب مستقیم مردم است، تهیه شده و اکثریت مجلس نیز منتخب مستقیم مردم هستند نیز آنها را تصویب کرده‌اند.
قاعده عقل حکم می‌دهد که نمایندگان ملت در دولت و مجلس مخالف مصلحت مردم اقدام نمی‌کنند.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

روایت رخدادهای ۴۰ سال پیش؛ آن سوی انقلابیون

مقاومت بختیار در برابر استعفا



اواخر شخصیت او عوض شده باشد.»

شاپور بختیار در پاسخ به اظهارات مهندس بازگان گفت: «تمام اراجیف و شایعات استعفا می من و خالی‌کردن سنگر مقدس قانون اساسی و حرکت به سوی مجهول مطلق، بی‌اساس است.»
بختیار با نوشتن نامه‌ای به امام، درخواست می‌کند که به وی مهلت کافی برای انجام تغییرات داده شود و تأکید می‌کند: «… اجازه فرمایید که هر تغییر در نظام مملکت از راه صلح و سلم و آرامش بر طبق سنن دموکراتیک معمولی در تمام جهان انجام گیرد…»؛ چون از نوشتن نامه نتیجه‌یاری نمی‌گیرد، مصمم به عزیمت به پاریس و برقراری تماس و مذاکره مستقیم با رهبر انقلاب می‌شود. بیانیه نخست‌وزیر مبنی بر مسافرت به پاریس از رادیو تلویزیون پخش می‌شود. در قسمتی از بیانیه آمده است: «… تصمیم گرفتم ظرف ۴۸ ساعت آینده شخصا به پاریس مسافرت کرده و به زیارت معظلمه نائل آیم و با گزارشی از اوضاع کشور و اقدامات خود، ضمن درک فیض، درباره آینده کشور کسب نظر نمایم…».

ژنرال هایزر که هر روز با فرماندهان نیروها و رئیس ستاد مشترک جلسه می‌گذارد و آنها را برای اجرای نیات شوم خود آماده می‌کند، در خاطرات خود می‌نویسد: «… امید ما این بود که این دیدار، بتواند بازگشت [امام] خمینی را به کشور برای دست‌کم یک ماه دیگر به تعویق بیندازد… به نظر من چنین می‌آمد که اوضاع به دلخواه ما در حال تغییر بود؛ اما متأسفانه اگر [امام] خمینی تا چند روز آینده بازمی‌گشت، همه چیز را خراب می‌کرد. ما به ۳۰ الی ۶۰ روز وقت دیگر احتیاج داشتیم…».

یکی از خبرگزای‌ها در درباره وضعیت کنونی شاه اظهار کرد: «شاه از خیانت دوستان خود سخت اندوهگین است و به این جهت در چند روز گذشته حدود ۱۲ کیلو لاغر شده است!»

در تهران هم، عده‌ای از ارتشیان و وابستگان رژیم شاه در ورزشگاه امجدیه گرد آمده و در پناه نظامیان به تظاهرات پرداختند و حمایت خود را از دولت بختیار و سنگر قانون اساسی اعلام کردند. ارتشبد قره‌باغی، درباره حوادث این روز می‌نویسد: «جریان حادثه مقابل ژاندارمری کشور تا شب ادامه پیدا کرد، خبر این حوادث در تمام خبرگزاری‌ها

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

منتشر شد و مورد بهره‌برداری مخالفان قرار گرفت. مخالفان از این حادثه که خود به وجود آورده بودند، سوءاستفاده کرده و بر میزبان تظاهرات و اغتشاشات مختلف در شهرها افزودند… در همین روز علاوه بر این وقایع آقای غلامحسین دانشی، نماینده مجلس شورای ملی، نیز در خیابان مورد سوءقصد قرار گرفته و بر اثر تیراندازی زخمی شد…».

روایت تأیید از شاه در ۸ بهمن

مجله تأیید در آخرین شماره ژانویه ۱۹۷۹ که مصادف با ۸ بهمن ۵۷ منتشر شد، نوشت: شاه تهران را ترک گفته و در مصر به سر می‌برد، گفته است کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بود که به او اشاره کرد اگر در برابر تظاهرکنندگان و اعتصابات شدت عمل نشان دهد، نمی‌تواند روی حمایت آمریکا حساب کند. شاه افزوده بود مخالفان او که متوجه این قضیه شده بودند، بر شدت مخالفت و تظاهرات خیابانی و اعتصابات افزودند و اکثریت ساکت بی‌تفاوت جامعه را هم به حرکت درآوردند و امور کشور فلج شد. به نوشته تأیید، شاه گفته بود: کارتر تصور می‌کند (می‌کرد) که دیگر نیازی نیست که ایران زاندامر خلیج فارس باشد و این کار را ناوگان آمریکا بدون واسطه (بدون ایران) هم می‌تواند انجام دهد. بعلاوه کارتر گمان می‌کند (می‌کرد) که شاه تنها یک نفر است و با رفتن او، ایران متحد آمریکا باقی خواهد ماند و سد گسترش نفوذ مسکو در آسیای غربی و جنوبی نخواهد شکست. آینده ثابت نخواهد کرد که چنین نخواهد بود. [تظاهرات منجر به انقلاب در پی انتشار نامه ساخنی احمد رشیدی‌مطلق در روزنامه تأیید تا نهم ژانویه ۱۹۷۸ آغاز شده بود و یک سال طول کشیده بود].

شاه در مصاحبه دیگری کارتر را فاقد تفکر سیاسی و احاطه بر رویدادهای تاریخ حتی تاریخ قرن ۱۹ و ۲۰ خوانده و گفته بود سیاست کارتر به دلیل بی‌اطلاعی از گذشته ملل، تفاوت فرهنگ‌ها، روان‌شناسی و رفتار آنها و ضعف تحلیل اوضاع جاری جهان و پیش‌بینی آینده، تحت تاثیر تلقین و نفوذ اطرافیان خود به‌ویژه پرنسپسکی ضرورس برای آمریکا در درازمدت مشکلات متعدد خواهد آفرید که رفع آنها نیاز به هزینه‌کردن صدها میلیارد دلار و حتی تحمل تلفات دارد.

در پاسخ به این پرسش که چرا یک شاه باید به توصیه رئیس دولت دیگر عمل کند و وطن را در لحظات حساس ترک گوید، گفته بود ترسیدم ایران غمزی و ایزوله شود و هر آنچه را که به دست آورده بودیم، از دست بدهیم. شاه پس از ترک ایران، یک بار هم گفته بود که کارتر مذاکرات محرمانه سران غرب در «گودالوپ» را که قرار بود درباره چین و شوروی باشد، به بحث درباره ناآرامی‌های ایران تبدیل کرده بود و نظر موافق شرکت‌کنندگان را به رفتن او! از ایران جلب کرده بود. شاه گفته بود که این اطلاعات را از منابع نزدیک به صدراعظم آلمان که در مذاکرات گوادالوپ شرکت کرده بود و نظر دیگری داشت، به دست آورده بود و در این جلسات، تیسکار دستر، رئیس‌جمهور فرانسه، از نظر کارتر حمایت کرده بود؛ زیرا فرانسه به ایران به‌دکار بود و می‌خواست که به صورتی این پول را پس ندهد. دولت لندن هم از زمانی که او دیگر دیکته‌های آن دولت را نمی‌نوشت، کمر به دشمنی با او بسته بود.

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

صادق خرازی: به‌خاطر انتقاد از احمدی‌نژاد تهدید شدم

سوریه هم می‌توانست مثل عراق برود، بشار مردانگی کرد و قبول نکرد

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

بختیار در مراسم عزاداری در تهران، شهریور ۱۳۵۷

<div>ادامه از صفحه اول</div>

تحریم شراب در روزگار بهرام گور

نگرانی درباریان از جانشینی بهرام به حدی بود که پس از مرگ یزدگرد انیم بر اثر لکد اسب آبی که خود داستانی شگفت دارد، حاضر نبودند اورنگ و دیهیم شهبهراری را به فرزند او بسپارند و موبدان، شخصی فروتن و صلح‌جوی به نام خسرو را انتخاب کردند تا جایگزین بهرام کنند که بهرام با سپاه عرب‌های یمن به مرزهای ایران روی آورد و موبدان از بیم ویرانی مناطق مرزی با او وارد مذاکره شدند و سرانجام مقرر شد که دیهیم شهبهراری از میان دو شیر نر قرار دهند و هر یک از آن دو که جسارت برگرفتن تاج را از میان دو شیر داشته باشد، بر اورنگ شهبهراری تکیه زند و خسرو، آن مرد آرامش‌طلب با مشاهده تاج در میان دو شیر چنین گفت:

چو خسرو بدید آن دو شیر ژئان/ نهاده یکی افسر اندر میان/ بدان موبدان گفـت تاج از نخست/ مر آن را سزاتر که شاهی بجست/ و دیگر که من بیرم و او جوان/ به چنگال شیر ژئان ناتوان

و چون بهرام دو شیر خوشگمین را از پای درآورد و تـاج را برگرفت و بر سر نهاد، به موبدان و دیگر درباریان قول داد هرگز به شیوه پدرش به ستم رفتار نکند و همواره جانب مهر را داشته باشد.

به آرام بنشست بر گاه‌شاه/ فرقتد ایرانیان با زخواه/ چنین گفت بهرام کای سرکشان/ از نیک و بد روز دیده نشان/ همه بندگانیم و ایزد یکی است/ پرستش جز او را سزاوار نیست

و بهرام با این اندیشه که یاری‌بخش مظلومان باشد و جز به مهر با مردمان رفتار نکند، بر اورنگ شهبهراری تکیه زد.

و اما داستان تحریم شراب.

روزی بهرام به تخریگره‌گاه رفت و در بیشه‌های بیبوته‌گرد و در آن بیشه ششیر نری به بهرام حمله آورد و شاه شیر را با تیری در پهلو بر زمین افکند و شیر ماده به خروش آمده، به سوی بهرام شتاب گرفت و شاه جوان با زخم شمشیر، شیر را از پای درآورد و به مناسبت این پیروزی جشنی به پا کرد و زودهنگام صبح شراب‌خواست و سرانگان لشکر را نیز به شادنوشی فراخواند. در این هنگام مردی میانسال به حضور شاه رسید و چندین شتر بار میوه چون به و انار و سیب به حضور بهرام آورد که همه دستچین‌شده و بسیار اشتهابرانگیز بود. بهرام در پاسخ این لطف، او را مورد تقدد قرار داده، به تشکر در کنار خود نشاند و نام او را جویا شد و مرد خود را کبروی معرفی کرد.

جهاندار چون دید، بنواختش / میان یلان پایکه ساختش / همین مه که با میوه و بوی بود/ ورا پهلولی نام، کبروی بود

و بهرام او را به نوشیدن دعوت کرد و مرد به ناکاه جام یک‌منی شراب را به یک‌باره و لاجرعه سر کشید.

بهرام با مشاهده شیوه نوشیدن او شگفت‌زده فرمان داد تا جام دومنی آوردند و کبروی از شاه اجازه گرفته، آن را نیز با نام شهربار ایران در یک دهان به کام فرستاد. در برابر شگفتی شاه و اطرافیان وی، اظهار داشت که این مقدار شرابی که نوشیدم، فقط مرا به نشاط آورده است و من هفت برابر جام پنج‌منی آید

می‌نوشم بی آنکه کمترین تأثیری در رفتارم پدید آید و همچنان بی‌لغزش و لرنشی‌گی برای مردم دارم و هرگز کسی خروش مستی از من نمی‌شوند و آن‌گاه بر زین می‌نشینم و اسب می‌تازم و آماده‌ام با هر کس که مایل باشد، به رقابت در نوشیدن بپردازم.

به پیش بزگان یبازید دست/ بدان جام می‌تاخت و بر پای جست/ و به یاد شهنشاه، بگرفت جام/منم گفت میخوراه کبروی نام/ به جام انگورن بود می پنج من/ خورم هفت از این بر سر انجم/ پس آن‌که سوسی ده روم من به هوش/ از من نشنودن کس به مستی خروش

آن‌گاه پسر از چنین نوشیدنی از بهرام اجازه خواست به راه خویش بازگردد. بهرام که دل‌نگران سرد بود سه وی اجازه داد ولی به دو سه نفر از اطرافیاننش گفت او را با فاصله تعقیب کنید و بیبند چگونه رفتاری دارد. کبروی اسب خویش را با سرخوشی به سوی دست تازاند و جانب کوه را

● روزی که ندا شکل گرفت، همه‌جور توهینی به ما کردند. ما چند حرف داشتیم یک، اصلاحات پوست‌اندازی شود، اما همان‌هایی که به ما بد و بیراه می‌گفتند هم همین حرف را می‌زنند. مگر ما در آغاز تأسیس ندا همین را نگفتیم؟ همه کسانی که می‌گفتند ادبیات اصلاحات باید اصلاح شود به ما بد و بیراه می‌گفتند. تصورشان این بود که ما مأموریتی داشته‌ایم که در حالی که ما الهام‌گرفته از تفکرات جوانان بودیم، در مسیر یک نشان دادیم اهل دوزدن و چشم‌پسـتن به روی اتفاقات نیستیم. در هر واقعه اجتماعی و سیاسی بیش از هر حزبی حساسیت نشان دادیم.

● برای ما مشکلات اساسی ایجاد کردند، بدگویي، هتاکي و ناچومردی‌ها را از کسانی دیدیم که خود پر از ایراد بودند. ایرادهای ما را فریاد زدند در حالی که اگر فریاد بود این خودشان گفته شود، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

● چیز خوب بود و بعد از من خراب شده است. در دادگاه جرم آقای بقایی اثبات شده است. در جرم آقای مشکایی به هر دلیلی اثبات شده است. کشور قانون دارد. اگر بگویم قانون را قبول نداریم، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اجرای قانون بد بهتر از بی‌قانونی است. همه وزیران آقای احمدی‌نژاد فاسد نبودند حتی خود ایشان را شرعا و اخلاقا نمی‌توانم بگویم فساد داشته است. من روی مدیریت و منش ایشان صحبت دارم که کشور را به اینجا رساند. هیچ حرف مستعدلی درباره فساد او نشنیدم؛ من از خدا می‌ترسم نمی‌توانم بگویم احمدی‌نژاد فاسد است. مدیریت او مشکل دارد.

● من نمی‌خواهم شتان قوه قضائیه را زیر سؤال ستنی تر هستند. قدرت گرفت‌وگویشانی بیشتر است.